

واکاوی بعد داخلی و بین‌المللی ضمانت اجرا در خصوص حمایت از حقوق کودکان کار

معصومه سرخی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

قوانینی که در حال حاضر در خصوص ضمانت اجرای حمایت از حقوق کودکان کار موجود است، دچار پراکندگی، ابهام، کلی‌گویی است به طوری که کاملاً به نظر می‌رسد قانونگذاران صرفاً از روی رفع تکلیف و نه احساس مسئولیت، آنها را وضع نموده‌اند. به نظر می‌رسد ارائه‌ی پیشنهادات و راهکارهایی به منظور مورد توجه قرار گرفتن موضوع خلاقانونی در خصوص حقوق کودکان کار ضروری به نظر می‌رسد. باید پذیرفت که در جامعه ما معضل کودکان کار و خیابانی به مرحله حاد خود رسیده است و باید نسبت به این معضل اجتماعی از خود واکنش نشان داد. باید توجه داشت که حمایت و حفاظت از کودکان خیابانی و ایجاد شرایط و امکانات زندگی برای آنها وظیفه کل جامعه است. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که برای این کودکان چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ باید ابتدا از تعداد این کودکان و وضعیت اقتصادی خانواده‌های آنان آمار دقیقی را به دست آوریم تا بتوانیم برنامه ریزی کارشناسانه‌ای انجام دهیم. با داشتن این آمار می‌توان مشخص کرد که چه تعداد از این کودکان دارای خانواده هستند و علت روی آوردن آنان به خیابان‌ها را جست و جو نمود. سپس لازم است که به فکر سامان دهی آنها باشیم؛ یعنی این‌گونه نباشد که در یکسال تصمیم به جمع‌آوری این کودکان داشته باشیم و آنها را سامان دهی کنیم و در سال‌های بعد ادامه ندهیم. شایسته است مراکزی را برای نگهداری آن گروه از کودکان خیابانی که خانواده‌ای ندارند، تاسیس کنیم. همچنین برای کار این کودکان مراکزی را در نظر بگیریم تا پس از رسیدن به سن قانونی کار، جذب این مراکز شوند. به منظور ارتقای سطح آگاهی این کودکان نیز می‌توان نسبت به حرفه‌آموزی و اشتغال، سوادآموزی و ارائه آموزش‌های بهداشتی و تربیتی به این کودکان اقدام کرد تا به عنوان یک شهروند فعال و مفید در خدمت جامعه باشند. در این راستا باید به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه داده شود تا بر روند احقاق حقوق این کودکان نظارت کنند. همچنین در قانون در خصوص سختی و مشقت کار و ساعت کاری این کودکان لازم است پیش‌بینی‌های مناسبی صورت گیرد تا عدالت در مورد آنان اجرا شود. اقدام ضروری دیگر، فراهم کردن زمینه شناخت و درک صحیح رفتار کودکان و نوجوانان در سنین مختلف و

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

Online ISSN: ۲۴۷۶-۴۴۶۹

دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱

Print ISSN: ۲۵۳۸-۲۰۳۹

www.irijournals.com

صفحات ۳۶-۲۱

تدوین قوانین راهبردی به منظور حمایت از حقوق آنهاست. چنانچه کودکان بد سرپرست یابی سرپرست به خانواده های واجد شرایط سپرده شوند و بر نحوه آموزش و تربیت آنها نظارت به عمل آید، در فرایند اجتماعی شدن و تعلیم این کودکان تأثیری بسزا خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: کودکان کار، حقوق کودکان، ضمانت اجرا

۱- مقدمه

کودک کار، کودکی است که به یکی از اشکال «کار سبک»، «کار سخت» و «کار داوطلبانه» و یا «کار اجباری» به منظور کسب درآمد، اشتغال دارد. واضح است که کار کودک در مقایسه با یک فرد بزرگسال هرگز دارای کیفیت و کمیت لازمه نیست، اما علاوه بر خانواده که در کارهای خانگی از کودکان استفاده می کنند (و مزدی نمی پردازند) هنوز هم در جهان کارفرمایانی وجود دارند که تمایل به استفاده از کار کودکان دارند، همین امر و پرداخت دستمزد پایین، دلیل کافی برای جذب کودکان به بازار کار می شود. در سال های اخیر نیز به دلیل این که عملاً کار کودکان در سنین پایین در قوانین تعریف شده و منع آن مورد حمایت قرار نگرفته و یا از ضمانت اجرایی کافی برخوردار نیست، عملاً کارفرمایان را مجاب به استخدام کودک کار می کند. عدم پرداخت مالیات، حق بیمه، و سایر پرداختها، انگیزه کافی است تا کارفرمایان، این فرشته های معصوم و حرف شنو و فرمانبردار را جذب محیط کار کنند و هزینه های تولید خود را از این طریق بکاهند و به سود بالایی دست یابند. در مقاله حاضر به واکاوی بعد داخلی و بین المللی ضمانت اجرا در خصوص حمایت از حقوق کودکان کار می پردازیم.

گفتار اول: ضمانت اجرا در نظام داخلی

در سده ی اخیر و رواج بحث های حقوق بشری و قبول این که باید به گروههای خاص (زنان، کودکان، معلولان، و...) توجه ویژه نمود، موجب گسترش بحثی فراتر از احساس و ترحم شد و آن بحث کودک و حقوق کودک کار بود، که به دنبال آن بحث ضمانت های اجرایی مصوبات و قوانین حمایتی از این دسته کودکان نیز مطرح گردید. کودکان در هر کشوری، به خصوص کشور ما، به توجه و مراقبت خاص نیاز دارند. اهمیت موضوع از این نظر است که آن ها ناتوان هستند و توان دفاعی اندکی دارند و دوم این که آن ها کودکان امروز، بزرگسالان فردا و آینده سازان هر کشوری هستند و هر اندازه که آموزش ببینند و توانایی شان تقویت شود، به همان نسبت می توانند در آینده نقش موثرتر و کارآمدتری را ایفا کنند. (اکبرنژاد، ۱۳۹۲) مراقبت از کودکان ابعاد مختلفی دارد که حمایت از آن ها در برابر کارهای، مضر، خطرناک و دشوار از آن جمله می باشد. این مراقبت در درجه اول باید در قوانین انعکاس یابد و پس از آن در عمل نیز شاهد اجرای آن باشیم. متأسفانه کشور ما قانون خاصی برای حمایت از کودکان، به خصوص در بخش کار کودک، ندارد و تلاش های اخیر نیز از سرعت مطلوب برخوردار نمی باشد. از مهم ترین راه کارهای عملی مبارزه علیه کار کودکان، تصویب کنوانسیون های مربوطه و اجرای عملی آن است. لذا تصویب قانونی که حقوق کودکان کار را، با در نظر داشتن همه ی معیارهای بین المللی و تمام ابعاد زندگی کودک پوشش دهد، امری بسیار ضروری و انسانی است. به همین جهت حمایت از حقوق کودک کار، عزم ملی و عملی را می طلبد. (انصاری، ۱۳۹۳)

در ایران مهم ترین ارگان حمایتی از حقوق کودکان کار وزارت کار و امور اجتماعی و مهم ترین قانون در این زمینه «قانون کار» می باشد. برخی نهادهای دیگری نیز در این زمینه فعالند که مهم ترین آنها «اداره بهزیستی» و «شهرداری» می باشند.

مبحث اول: بعد قانونی ضمانت اجرای تخلف رعایت نکردن شرایط کار کودک در ایران

متأسفانه در کشور ما خلا یک قانون منسجم و مدون در خصوص حمایت از کودکان کار کاملاً احساس می شود. قوانینی که در حال حاضر موجود هستند بسیار پراکنده می باشند و به طور دقیق مشخص نیست که مرجع اصلی حمایت و تضمین حقوق کودکان کار کدام یک از این قوانین می باشند. همچنین بسیاری از مفاد این قوانین دچار ابهام و کلی گویی هستند. این عدم صراحت و شفافیت باعث تداخل وظایف حوزه های مسئول و اکثر مواقع شانه خالی کردن از مسئولیت در قبال کودکان کار

شده است. با وجود این آنچه که مسلم است وجود قانون ضعیف از بی قانونی بهتر است به همین جهت در این مبحث ذکر قوانین و مراجع حمایتی حقوق کودکان کار خالی از فایده نخواهد بود.

بند اول: ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق کودکان کار در چارچوب قانون کار

در ایران، در حالی که بر اساس ماده ۷۹ قانون کار «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام در هر نوع بنگاه، واحد تولیدی، کارگاه و هر چه که در آن اشتغال و کار باشد، ممنوع است»، و حتی در مواد دیگری نیز در مورد کار کردن کودکان دارای سنین ۱۸ سال و بالاتر نیز شرایطی تعیین کرده است که می توان به توان کودک و یا نوجوان ۱۸ ساله در انجام کار فیزیکی به عنوان یکی از این موارد اشاره کرد، اما بحران اقتصادی گسترده و الزامات تامین معیشت های اولیه زندگی در خانواده ها، بسیاری از کودکان را به بردگی در بازار کار سیاه کشانده است. این در حالی است که برخی از کارفرمایان ترجیح می دهند با به کار گرفتن کودکان، از اجرای قانون شانه خالی کنند و در این میان، مکانیزم تامین اجتماعی نیز به گونه ای نیست که از طریق بیمه های حمایتی این کودکان را تحت پوشش دهند. (کشمیری، ۱۳۸۵)

در اکثر قوانین کشورها، حداقل سن کار و شرایط کاری افراد کم سن و سال را قاعده مند کرده اند. کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۱ مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت. (مهروپور، ۱۳۸۳)

الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک که در میان کنوانسیون های بین المللی بیشترین عضو را داشت، نشان از توجه نسبی جمهوری اسلامی به حقوق کودکان می باشد. هر چند این الحاق با حق الشرط همراه می باشد. (Convention on the Rights of Child, 2017)

کارگری که بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش های پزشکی قرار گیرد و پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند، کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود، شغل کارگر را تغییر دهد.

همچنین ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد و ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگر نوجوان ممنوع است.

در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می شود، برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آوراست، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

این قانون، یک مشکل اساسی دارد و آن هم این که شامل کارگاههای خانگی و کمتر از ده نفر نمی باشد و درست بخش اعظم به کار گیری کودکان نیز در همین بخش ها صورت می پذیرد.

بند دوم: ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق کودکان کار در چارچوب قانون مجازات اسلامی

برخی از اموری که در کنوانسیون منع بدترین اشکال کار کودک مقرر شده است به دلیل ماهیت غیر انسانی و لطمات روحی و جسمانی جبران ناپذیری که به طفل وارد می آورند، از سوی قانونگذار به طور خاص مورد جرم انگاری قرار گرفته است. یکی از این موارد «بکار گیری کودک در امور تکدی گری» است که در این رابطه ماده ۱۳۱ قانون فوق مقرر می دارد: «هر کس طفل

صغیر یا غیر صغیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به حبس تعزیری درجه شش و استرداد کلیه ی اموالی که از این طریق به دست آورده است محکوم خواهد شد». (کشمیری، ۱۳۸۵)

قانونگذار در این ماده برای افرادی که با سوء استفاده از اطفال اقدام به جمع آوری اعانات مردم می نمایند، مجازات سنگین تری را نسبت به وضعیتی که خود شخص راسا اقدام به تکدی می کند پیش بینی کرده است که این مساله خود موید آگاهی مقنن از آثار نامطلوبی است که این عمل بر روح و روان کودکان وارد می آورد.

بند سوم: ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق کودکان کار در چارچوب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۱۱

خرید و فروش اطفال به مقاصد اقتصادی و جنسی در کشورهای توسعه نیافته امری تقریباً شایع است. در اغلب موارد، قانونگذاران این گونه کشورها حداقل از طریق وضع قانون در برابر آن واکنش نشان می دهند و این پدیده شوم را جرم انگاری می کنند. بر اساس ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ هرگونه خرید، فروش، بهره کشی و بکار گیری اطفال به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل، قاچاق جرم بوده و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به ۶ ماه تا ۱ سال زندان و یا جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد.

بند چهارم: ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق کودکان کار در چارچوب آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی

در همین راستا و شاید به دلیل جدی گرفتن این بحران، هیات وزیران به بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تامین اجتماعی و بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی را تصویب کرد.

تعریف کودکان خیابانی، ساماندهی، شناسایی، جذب، اقامت، تاسیس مراکز کودکان خیابانی، پذیرش، ترخیص، پیگیری وضعیت کودکان پس از ترخیص، توانمند سازی، تشکیل تیم تخصصی و حضور فعال نهادهای حامی، از اصول مهم این آیین نامه است.

سازمان بهزیستی موظف است با همکاری شهرداری، انجمن های خیریه، تشکل های غیر دولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکار اجتماعی نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمند سازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان ها اقدام کند.

در آیین نامه تصریح شده است: در صورت تحویل کودک خیابانی به خانواده، اداره کل بهزیستی استان ها و سایر نهادهای حامی موظف هستند در زمینه حمایت مادی و معنوی خانواده اقدامات خود را به سازمان بهزیستی کشور و کارگروه اجتماعی استان اعلام کند.

نیروی انتظامی موظف است در برقراری امنیت در کلیه مراحل اجرایی و تعیین تکلیف کودکان خیابانی بزهکار، وزارت دادگستری در صدور مجوزها و احکام قضایی لازم در مراحل مختلف ساماندهی و ارائه مشاوره حقوقی لازم در مراحل مختلف ساماندهی و تامین امکانات مورد نیاز ساماندهی یا اجرای تصمیمات کارگروه اجتماعی استان با بهزیستی همکاری کنند.

همچنین بر اساس این آیین نامه وزارت کار و امور اجتماعی در ارائه تسهیلات اعتباری اشتغال به خانواده های جویای کار کودکان خیابانی و کودکان بالای ۱۵ سال و سازمان فنی و حرفه ای در آموزش رایگان مهارت های شغلی به کودکان و خانواده های آنها، همکاری خواهند کرد.

با وجود گذشت دوازده سال از تصویب این آیین نامه اثرات اجرایی شدن آن به هیچ وجه مشهود نیست. در یکسال اخیر جلسات و کار گروه هایی به منظور اجرایی شدن این آیین نامه در وزارت کار، رفاه و تامین اجتماعی و معاونت اجتماعی وزارت دادگستری تشکیل شده است؛ اما چنانکه کاملاً مشخص است این جلسات و کار گروه ها و همایش ها در کشور ما سالهای سال است که در حوزه های مختلف برگزار می شود بدون آنکه دستاورد خاصی داشته باشد.

کشورهای مختلف در زمینه کار کودکان قوانینی به تصویب رسانیده اند که اکثر آنها در قوانین خود با توجه به شرایط خاص و مقوله نامه های سازمان بین المللی کار حداقل سنی برای اشتغال به کار کودکان و نوجوانان تعیین نموده اند. همانگونه که یادآور شدیم این قوانین نیاز به ضمانت اجرای مناسب تر دارند و از طرفی تعیین ضمانت اجرا و مجازات در شان دیگر مکانیزم های حقوقی نظیر آیین نامه و بخشنامه و دستور العمل نمی باشد و حتماً باید توسط قانون مصوب پارلمان مشخص گردد.

نکته ای که قابل اهتمام بیشتر است آنکه در وضع قوانین می بایست زیرکی و ظرافت قانونگذاری کامل مورد عنایت قرار گیرد چرا که در غیر اینصورت خود قانون به وسیله ای برای پیچیده تر کردن مسئله تبدیل می شود قانون می تواند به اختفاء هرچه بیشتر کار کودک بیانجامد و اختفاء نیز می تواند برای همیشه امیدواری به الغای کار کودکان را از بین ببرد. عدم اجرای قانون و یا اجرای بد و ناقص آن، اصل مسئله و اصل قانون را لوٹ نموده و آنها را به ابتذال می کشاند. قانون آن زمان که با استفاده از امکانات خوب و مناسب و با درکی درست از مقاصد مورد نظر به اجراء آید ارزشمند است.

گفتار دوم: مسئولیت نهادهای بین المللی در قبال تضمین حقوق کودکان کار

وجود میلیون ها کودک کار، دلیل مناسبی بود تا دولت ها نه تنها خود، بلکه سایر دولت هایی را هم که به مسوولیت جهانی در برابر حقوق کودکان کار توجه نمی کنند، به عنوان نقض سیستماتیک حقوق بشر مورد شناسایی قرار دهند و آن ها را ناقضین حقوق بشر قلمداد کنند. مسوولیت در برابر سلامت روحی، روانی و ذهنی، رشد اجتماعی کودک و به طور کلی دورانی که کودک حد فاصل میان خردسالی تا بزرگسالی را ضمن بهره گیری از آموزش، بتواند به تقویت قوای جسمانی و روانی خود بپردازد، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

منظور این نیست کودکی که نیاز به کار دارد از ورودش به بازار کار جلوگیری شود، بلکه در صورت نیاز به کار، باید مورد حمایت های ویژه قرار گیرد. در این میان، نهادهای بین المللی تاسیس شدند تا با تغییر نگرش دولت ها بتوانند آن ها را به رعایت حداقل استانداردهای حقوق بشری هدایت کنند. نهادهای بین المللی در این زمینه کمک شایانی به شناسایی، حفظ و ارتقای حقوق کودکان؛ به خصوص کودک کار، کرده اند.

مبحث اول: کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک (CRC) به اتفاق مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۸۹ به تصویب رسید؛ و بدین ترتیب جزء کنوانسیون های جوان حقوق بشری محسوب می شود. کنوانسیون حقوق کودک از جهاتی منحصر به فرد محسوب می شود. اول از همه به دلیل اینکه تنها معاهده حقوق بشری است که منحصر به حقوق کودک می پردازد. این کنوانسیون با سرعت بی سابقه ای الزام آور شد، (فقط هفت ماه پس از تصویب و در حال حاضر توسط تمام کشورها به استثنای سومالی و ایالات متحده آمریکا به تصویب رسیده است. یکی دیگر از موارد منحصر به فرد بودن کنوانسیون حقوق کودک این است که اولین معاهده

بین المللی حقوق بشری است که دامنه ی وسیعی از حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را پوشش می دهد؛ بنابراین مقبول ترین معاهده حقوق بشری سازمان ملل محسوب می شود. (عبادی، ۱۳۷۸)

در سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون منضم نمود. اولی مربوط به بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه و دومی مربوط به خودفروشی و هرزه انگاری کودکان، هر دو در سال ۲۰۰۲ الزام آور شدند.

«مخالف و معارض بودن در مقابل این هدف که برای کودکان جهانی بهتر بسازیم، سخت و بعید به نظر می رسد. علاوه بر این اکثر دولتمردان با یک دیدگاه و چشم انداز معقول و بلند مدت دریافتند که کودکان آینده کشورشان محسوب میشوند و سرمایه گذاری در کودکان بهترین سرمایه گذاری معقول برای یک کشور می تواند باشد. شاید دلیل عمده و اصلی گرایش و جذابیت واحتمالا دلیل اصلی استقبال گرم از کنوانسیون مطابقت با این قسمت از سیاست دولت ها بوده است.» (

(Monitoring the CRC Lucy Smith, 2017)

ممکن است گفته شود ایجاد حق شرط به موجب ماده ۵۱ دلیل این باشد که بعضی از دولت ها این کنوانسیون را مورد تصویب قرار داده اند. بسیاری از دولت ها حق شرط اعمال نموده اند و آنرا در حوزه های گسترده ای بکار گرفته اند به طوری که بر مبنای حقوق بین الملل و ماده ۵۱ کنوانسیون با هدف و کلیت معاهده تعارض و مغایرت دارد. (مانند حق شرطی که ایران بر کنوانسیون حقوق کودک اعمال کرده است.

کنوانسیون حقوق کودک با یک رویکرد خلاقانه نسبت به حقوق کودک تاسیس شده است. برای اولین بار حقوق بشر کودک صریحا در یک معاهده به رسمیت شناخته شد. در معاهده حقوق کودک در کنار مسئله حمایت به بحث توانمند سازی هم پرداخته شده است. بعضی از مواد، خصوصا آنهایی که مربوط به آزادی ها و حقوق مدنی است بحث برانگیزند ممکن است این طور به نظر برسد که پیش نویسان از این که در بعضی از مواد کنوانسیون راه افراط در پیش گرفته شود نگران بوده اند. در مقدمه، تاکید بر ارزش سنتی است. اینکه خانواده در جامعه طبقه اصلی محسوب می شود و دوران کودکی نیاز به مراقبت و کمک های خاص دارد.

بند اول: حق شرط های کلی

کشورهای پاکستان، ، عراق، کویت، قطر، عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران اقدام به اعمال حق شرط های کلی بر کنوانسیون نموده اند. در تمامی این حق شرط ها، قید عدم تعارض کنوانسیون با مقررات اسلامی به طور واضح مشهود است. نحوه انشاء کلیه این حق شرط ها تقریبا مشترک است. این حق شرط ها با اعتراض بسیاری از کشور ها از جمله فنلاند روبرو شدند. این کشور در اعتراض خود اعلام داشته: «از نظر دولت فنلاند اعتبار این حق شرط ها منوط به اصول کلی اجرای معاهدات است. به موجب این اصول، یک کشور نباید برای خودداری از اجرای یک معاهده به حقوق داخلی خود استناد نماید. (انصاری، ۱۳۹۳)

اعتراض مشابهی در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۹۵ به حق شرط ایران صورت گرفت. به موجب این اعتراض: «این حق شرط موجب بروز مشکلات عدیده در تعیین مواد و مقررات مورد نظر دولت جمهوری اسلامی ایران شده و تعیین حدود روابط معاهداتی و قراردادی را بین سایر کشورهای طرف کنوانسیون و دولت ایران مشکل خواهد ساخت.»

اعمال این گونه حق شرط ها به منظور تحدید مسئولیت کشورها با تمسک به حقوق داخلی صورت حقوقی مربوط به معاهدات نیز صدمه و خدشه وارد آورده و مغایر با حقوق بین الملل است. منافع مشترک طرفین معاهده همانا تعهد به انجام تکالیف و احترام به هدف و موضوع آن معاهده است. (عبادی، ۱۳۷۸)

مبحث دوم: کمیته حقوق کودک

«در وهله اول نظارت بر اجرای معاهده توسط کمیته حقوق کودک و از طریق دولت های عضو که به کمیته گزارش تقدیم می کنند و با آن مکاتبه دارند انجام می شود. در این نهاد آیین شکایات فردی همچون نهادهای دیگر حقوق بشری (مانند کمیته حقوق بشر) موضوعیت ندارد. کمیته اکنون ۱۸ عضو دارد. تمامی آنها توسط دول عضو انتخاب شده اند که برای این کمیته تقریباً معادل مجمع عمومی است. مطابق با ماده ۴۳ کمیته از کارشناسانی که از نظر حرفه ای و اخلاقی بلند پایه هستند تشکیل شده است و از طرف حکومت های حاضر در این پیمان نامه و از میان افراد تابع همان حکومتها انتخاب می شوند». (Ibid, page111)

مستقل بودن این اشخاص به صراحت ذکر نشده است، هم چنین مستخدم دولت بودن مانعی جهت انتخاب آن ها نخواهد بود. این امر مورد انتقاد قرار گرفته است. هر چند اعضای کمیته موافقند که از شرکت در زمینه ی رسیدگی به گزارشات مرسوله از طرف دولت های متبوع خودشان خودداری کنند. به جز موارد مربوط به اصلاح اشتباهات بدیهی با توجه به حقایق موجود.

بند اول: وظایف کمیته حقوق کودک

بر خلاف معاهدات حقوق بشری دیگر که در قسمت اندکی از آنها به بحث نظارت پرداخته شده است در کنوانسیون حقوق کودک کلمه نظارت به هیچ وجه استعمال نشده است؛ اما مفهوم نظارت را می توان در ماده ۴۳ که بیان میدارد یک کمیته باید به منظور ((کنترل پیشرفت اموری که دولت های عضو معاهده، تضمین آنرا داده اند تاسیس شود)) دنبال کرد. عبارتی که در اینجا ذکر شد کمی شبیه به مفهوم عبارتی است که در ماده ۱۷ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان گنجانیده شده است. دول عضو گزارشات را که مربوط به اقدامات مصوبه ی آنها در خصوص تاثیر بخشی به حقوق به رسمیت شناخته شده در کنوانسیون می باشد را به کمیته حقوق کودک ارسال . کنند می و به منظور ارتقای سطح برخورداری از این حقوق هر کدام از دول عضو باید گزارش اولیه خود را ظرف دو سال پس از تصویب معاهده ارسال نمایند. سپس هر ۵ سال یک گزارش مستقل ارسال خواهند نمود.

در ماده ۴۴ که در خصوص همکاری بین سازمان های بین المللی است یونیسف تنها نهاد بین المللی است که صراحتاً از آن سخن به میان آورده شده است. به منظور نظارت بر دول عضو همکاری با یونیسف فوق العاده با ارزش است. کمیته سه بار در طول سال تشکیل جلسه می دهد و هر جلسه به مدت ۴ هفته زمان خواهد برد. سه هفته اول جلسه به رسیدگی مکاتبات و گزارشات مربوط به دول عضو اختصاص داده می شود. آخرین هفته به منظور آماده سازی برای اجلاس آینده برگزار می شود که اصطلاحاً پیش جلسه نامیده می شود.

جلسات دول عضو عمومی و علنی هستند در حالی که بعضی از آنها از جمله پیش جلسه ای که مربوط به روش کار و نتیجه ی ملاحظات و مشاهدات است) محرمانه برگزار می شوند. علاوه بر گزارش دول عضو، کمیته حقوق کودک از سازمان های بین المللی غیر دولتی و ارکان سازمان ملل متحد بویژه سازمان یونیسف گزارشات دریافت می کند. سازمان های غیر دولتی اغلب

برای نگارش گزارش یک کشور همکاری می کنند که اصطلاحاً گزارش سایه نامیده میشود. این گزارشات که به کمیته اطلاعات تکمیلی و مهمی ارائه می دهد، در هفته آخر مورد بررسی قرار می گیرند. در نتیجه اعضای کمیته سوالاتی را در خصوص اظهارات سازمان های مختلف نسبت به دولت عضو در یک زمان خاص و در نظر گرفته شده مطرح خواهند نمود. (کشمیری، ۱۳۸۵)

پیش جلسه (هفته آخر) برای کمیته به منظور ترسیم کاملتر وضعیت در کشور مورد نظر و جهت بدست آوردن برخی از اطلاعات که در نگارش بسیار حساس هستند فوق العاده حائز اهمیت است. علاوه بر یونیسف و دیگر سازمان های بین المللی غیر دولتی معمولاً سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) و کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان هم تاثیر گذار هستند. مسلماً وجود تعداد زیادی از سازمان های بین المللی غیر دولتی که در مورد حقوق کودک فعالیت می کنند برای کمیته حقوق کودک یک مزیت بزرگ محسوب میشود. بعضی از این سازمان ها از نظر منابع مالی و انسانی مقتدر هستند.

نتیجه ی پیش جلسه در یک لیست به همراه سوالات تکمیلی به دولت عضو ارسال می شود همراه با درخواست پاسخ به این سوالات در جلسه ی بعدی که هیات نمایندگان منتسب به دولت عضو حضور خواهند داشت.

بند دوم: مکاتبه با دولت عضو بر مبنای روبه حقوق کودک

به عنوان یک قانون کلی کمیته جلسه را (در یک روز) به گفت و گو با هر دولت عضو، صرف نظر از اندازه و وسعت کشور مورد نظر اختصاص خواهد داد. این قانون نباید بدون استثنا بماند. در سال ۲۰۰۵ کمیته سه جلسه را به بررسی و رسیدگی وضعیت چین (شامل هنگ کنگ و ماکائو) اختصاص داد. رسیدگی به وضعیت بسیاری از کشورهای بزرگ از جمله ایران قطعاً زمان بیشتری خواهد برد؛ اما محدودیت های زمانی و مکانی این امر را غیر ممکن می سازد. مگر اینکه زمان های کمتری صرف دولت های کوچکتر بشود. (عبادی، ۱۳۷۸)

برخی معتقدند که ناعادلانه است که زمان اختصاص داده شده به کشورهای عضو متفاوت باشد؛ اما به نظر می رسد که این عادلانه نیست که به کودکان کشورهای بزرگ زمان اندکی اختصاص داده شود.

گفتگو با دولت های عضو بسیار متفاوت است. این تفاوت بستگی به مشکلات کشور مورد نظر، میزان و صلاحیت هیات نمایندگی در اطلاعات دریافت شده و بر نگرش هیئت نمایندگی بستگی دارد.

بند سوم: شکایات فردی

«کنوانسیون حقوق کودک بر خلاف سایر معاهدات حقوق بشری سازمان ملل از مکانیزمی برای اعمال تحریم در صورت نقض کنوانسیون برخوردار نیست. با گذشت زمان دوباره سوال پرسیده می شود که آیا امکان شکایت فردی باید وجود داشته باشد؟ به نظر می رسد این در زمان شروع ایده ی خوبی نیست به دلایل مختلف. اول از همه منابع برای فعالیت های مربوطه باید در داخل کشورها در نظر گرفته شود؛ مانند: ایجاد سیستم های کنترل مثل بازرس کودکان، آموزش حرفه ای به کودکان، افزایش آگاهی، این گونه موارد نسبت به ابزار اضافه شده در سطح بین المللی اثر بیشتری خواهند داشت. کمیته به طور مداوم بر اهمیت یک روش موثر شکایات ملی برای کودکان تاکید دارد و دولتهای عضو را به ترویج و توسعه روش مذکور تشویق می کند». (اکبرنژاد حسینی، ۱۳۹۲)

مشکل دیگر این است که یک کودک به تنهایی چیزی راجع به آیین شکایت نمی داند و مهم تر از آن اینکه به ندرت صلاحیت یا منابع برای ارسال شکایت دارند. راه حل ممکن این است که دیگران از طرف کودک شکایت را ارسال نمایند. یا یکی دیگر از سازمان ها با کشورها. وجود کمیته نظارت بر کنوانسیون حقوق کودک نسبت به تاثیر کنوانسیون نگرش خوش بینانه تری داده است. در عین حال یک دیدگاه واقع بینانه بر روی مکانیزم های اجرای پروتکل های جدید بخشیده است و آن این است که تمام منابع موجود باید به تقویت سیستمی که در حال حاضر موجود است بپردازد.

مبحث سوم: تاثیر کنوانسیون حقوق کودک بر ارتقای حقوق کودکان

کنوانسیون به وضوح در بسیاری از زمینه ها تاثیر مطلوب داشته است. اولین و مهم ترین آنان اینکه حقوق کودکان خیلی بیشتر از قبل تا حد بسیار زیادی در دستور کار قرار گرفت. حقوق کودک جریان اصلی قرار گرفته است. خصوصا در سیستم سازمان ملل جزء برنامه ها و اولویت های این سازمان قرار دارد. همچنین واضح است که کنوانسیون حقوق کودک ابزاری مهم برای یونیسف و NGOها در مورد کار خود با حکومت های ملی محسوب می شود. کنوانسیون همچنین در تعدادی از کشورها به سازمان های غیر دولتی ملی برای همکاری در زمینه مسائل مربوط به کودکان و ایجاد شبکه ها و انجمن ها و نگارش یک گزارش مشترک به کمیته الهام بخش بوده است. مطابق با ماده ۴۵ کنوانسیون کمیته همکاری نزدیکی با یونیسف خواهد داشت موضوعی که صراحتا در ماده ۴۵ ذکر شده است. این از حکم ماموریت یونیسف که کنوانسیون حقوق کودک را یک چارچوب راهنمای نهادها در ارجاع می داند تبعیت می کند و آنرا تلاش برای بنا نهادن حقوق کودک به عنوان اصول اخلاقی پایدار و استانداردهای بین المللی در مورد رفتار با کودک قرار داده است.

هم اکنون یونیسف در بسیاری از کشورها حضور دارد و این واضح است که کار یونیسف است و ابزاری برای آگاهی گسترده تر از یونیسف شده است و همچنین در اجرای کنوانسیون در بسیاری از کشورها، معاهده حقوق کودک به عنوان منبعی الهام بخش برای کسب دانش عمیق تر در مورد مسائل کودکان حائز اهمیت است. در این رابطه مشارکت کودکان و نوجوانان در برنامه ریزی و تصمیم گیری محلی به طور خاص ممکن است پربار باشد. اتفاقات مثبتی به عنوان نتیجه ی مستقیم تصویب کنوانسیون حقوق کودک به وقوع پیوسته است. در چندین کشور برخی با بسیاری از شهرداری ها در حال حاضر شوراهای کودکان و نوجوانان و مشابه آنها به جهت اعمال نفوذ ایجاد کرده اند، که در وهله ی اول باید آنرا حاصل و نتیجه ی کنوانسیون حقوق کودک و نشست ویژه سازمان ملل متحد در مورد کودکان در سال ۲۰۰۲ دانست به عنوان یکی از تغییرات باید گفت که آگاهی کودکان در حال رشد است. (عابد خراسانی، ۱۳۸۸)

در حال حاضر کمیته اغلب جلساتی را با هیئت نمایندگی کودکان در طول پیش جلسه برگزار میکنند. بعد از آن کودکان جلساتی را با NGOها و سایر نهادهای بین المللی خواهند داشت و همچنین جلسه ای جداگانه و غیر رسمی با کمیته حقوق کودک. تاثیر مستقیم کنوانسیون در موقعیت فردی کودک کمتر آشکار است. بیشتر دولت ها آن بخش از قوانین خود را که مربوط به کودکان است تغییر داده اند تا با کنوانسیون حقوق کودک مطابقت بیشتری داشته باشند. تعدادی از دولت ها موسسات مستقل حمایت از حقوق کودک را بنا نهاده اند. (پیوندی، ۱۳۹۲)

قانونگذاری اولین گام لازم است، هر چند از طریق قانونگذاری بر روی کاغذ برای تحقق حقوق فردی کودک هنوز راه زیادی را در بسیاری از کشورها باید طی نمود. اثر نهایی حقوق بین الملل بشر شامل کنوانسیون حقوق کودک بستگی به مکانیزم و ابزارهای داخلی و ملی برای اعمال این حقوق خواهد داشت.

بسیاری از عوامل هستند که مانع از اجرای کنوانسیون می شوند. حتی در کشورهایی که کنوانسیون حقوق کودک را در قوانین داخلی خود گنجانده اند. اول از همه، فقدان منابع انسانی و مالی، اما گاهی اوقات فقدان اراده سیاسی و اغلب نبود درک درست از حقوق کودکان. کلید درک کنوانسیون حقوق کودک و زندگی کردن با آن این است که دانسته و درک شود. پذیرش و درونی کردن اینکه کودک یک انسان مستقل همراه با حقوق خصوصی است و اینکه کودک همانند بزرگسالان از کرامت ذاتی برخوردار است. (صفاری، ۱۳۹۳)

در بسیاری از کشورها هنوز این درک و فهم وجود ندارد. حتی اگر اراده ی سیاسی به همراه منابع مالی در دولت عضو وجود داشته باشد، فقدان رهبری جهت اجرای این موارد اغلب یک مشکل محسوب می شود. در بیشتر کشور ها فقدان همکاری بین ارکان مختلفی که فعالیت می کنند برای اجرای کنوانسیون یک معضل عمومی محسوب می شود. در همه ی سطوح و بین سطوح مختلف، محلی یا مرکزی، اغلب نیاز آشکار به هماهنگی وجود دارد.

گفتار سوم: چالش ها، کاستی ها و نواقص عملی و حقوقی اقدام علیه کار کودک

یکی از چالش های پیش رو در این زمینه، کمبود آرایه آمار در زمینه اشتغال و کار کودک است. این مسئله چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، در خصوص کودکان کار باعث بی اطلاعی مسئولان و منفعل بودن سازمان های مردم نهاد و بنگاههای اقتصادی کشور می گردد. آمارهای موجود نیز توسط وزارت آموزش و پرورش و برخی دیگر از مراکز ذیربط می باشند، که می تواند با آمار واقعی فاصله داشته باشد. از دیگر چالش های موجود حقوقی، پراکندگی برخی قوانین مصوب در رابطه با حقوق کودکان کار است. برخی از این قوانین در حقوق کار و برخی دیگر در لوایح حمایت از حقوق کودکان و آیین نامه های وزارت کار می باشند. لازم است مجموعه قوانین حمایتی منسجم مدون شود تا صراحت امری برای همه و به راحتی قابل دسترس باشد.

از دیگر چالش های عملی موجود، بحث مدیریت و ساماندهی این بخش از حوزه های اجتماعی است. به همین سبب تصدی و مدیریت در این بخش، چنانچه معین باشد می تواند از حق این قشر آسیب پذیر جامعه حمایت کند. در حال حاضر، بحث مدیریت سرپرستی این کودکان (آموزش و سازماندهی کودکان کار و این قبیل امور) متمرکز نیست و پراکنده کاری می تواند موجب حمایت های ضعیف و بی فایده گردد. سازمان بهزیستی، شهرداری، آموزش و پرورش، وزارت کار و امور اجتماعی، در این زمینه فعالند، اما بحث کار کودک بسیار فراتر و گسترده تر از آن است که هر یک از این ارگانها به تنهایی بتوانند به ریشه کنی کار مضر برای کودک بپردازند و این امر را در دستور کار خود قرار دهند. تقویت مرجع ملی حمایت از حقوق کودک می تواند گامی موثر در جهت مدیریت واحد و متمرکز باشد. حضور و تقویت سازمان های ملی و مردم نهاد نیز می تواند در شناسایی و آرایه طریق بسیار مفید واقع شود.

ایران پس از انقلاب ۵۷ درگیر مسایل جنگ و پس از آن تحریم های گسترده ی اقتصادی، سیاسی از سوی سایر کشورها بود و این امر تاثیر منفی خود را بر اقتصاد کشور و به تبع آن اقتصاد خانواده ها گذاشته است. به همین دلیل و به نظر خانواده ها راه حل فوری جبران تامین هزینه های زندگی، وارد نمودن کودکان به مراکز کارگری جهت کسب درآمد و کار آنان است.

هر چند کار برای کودکان مضر نیست، اما وقتی کودک نتواند به مدرسه برود، به اینترنت، کتابخانه، مراکز تفریحی و یا ارتباط جمعی دسترسی داشته باشد، لاجرم نیروی کار خود را در مقابل مقداری پول در اختیار کارفرما قرار می دهند، این کار مضر تلقی می گردد، به خصوص اگر این کار در سنین پایین صورت پذیرد و یا توسط دختران کارگر باشد؛ بنابراین، حل معضل کار

کودکان بدون توجه به حل مسایل اقتصاد سیاسی کشور امکان پذیر نیست. هر چقدر سطح رفاه عمومی جامعه بالاتر برود و اقتصاد کشور شکوفاتر گردد، خانواده ها در سبب اقتصادی خانوار خود به مسایل رفاهی، گردش تریبیتی و آموزش توجه بیشتری و از اعزام کودکان خود به مراکز کار و کارگری جلوگیری می کنند. کودکان بی سرپرست و بد سرپرست همواره باید مورد حمایت قرار گیرند تا از ورود کودک و نوجوانان در محیط های کار و کارگری احتراز گردد؛ زیرا در این حال و به دلیل دور بودن آنان از مراکز آموزش پرورشی، مستعد ارتکاب بزهکاری می شوند. (انصاری، ۱۳۹۳) نظارت گسترده بر کارگاهها و تماس با مراکز بین المللی مربوطه (یونیسف) و پیروی از سیستم گزارش دهی به آنان می تواند دولت را در جهت کاهش معضلات (کودکان کار) یاری رساند. آن چه ضروری به نظر می رسد همتی عمومی است و در این راه قوانین جامع وجود ندارد. در این باره موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

۱. مسئله ممانعت از کار کودک عزم ملی را می طلبد، این یک واقعیت است که کودکان سرمایه های فردا هستند و می توان از آن ها به عنوان نسل آینده ساز نام برد. دولت جمهوری اسلامی ایران باید با تخصیص بخشی از بودجه سالیانه خود به تامین حقوق اقتصادی، اجتماعی و آموزشی کودکان بپردازد و به ویژه سلامتی و دسترسی آموزش رایگان کودک را تضمین نماید؛
۲. تشکیل کمیته ویژه کودکان و بررسی وضعیت کار در مراکز اقتصادی؛
۳. بازنگری، اصلاح و یا تجدید نظر در قوانین مربوط به حقوق کار کودکان و تشدید تنبیه کار فرمایان متخلف؛
۴. ترویج و تشویق فرهنگ ممنوعیت به کارگیری کودکان در بدترین اشکال آن از طریق آموزش و تنویر افکار عمومی؛
۵. افزایش سطح آگاهی عمومی در برخورد با اشتغال زایی کودکان کار در کارهای مضر؛
۶. تشکیل فوریت های اجتماعی و برخورد با کارفرمایانی که کودکان را در سن ممنوعه به اشتغال وا می دارند؛
۷. ارسال پرسشنامه رسمی از ((مراکز شبه قضایی)) به کارفرمایان، مبنی بر این که آیا چنین کودکانی در استخدام شما هستند یا نه؛
۸. تدوین قوانین حمایتی از خانواده های کودک بد سرپرست و بی سرپرست؛
۹. کنترل دائمی مراکز اقتصادی که کودکان کار را به استخدام در می آورد؛
۱۰. شرکت دادن والدین و کودکان کار در کارگاه آموزشی و کلینیک حقوقی و آگاهی از قوانین مربوطه؛
۱۱. شناسایی کودکان کار و تشکیل شناسنامه کار برای آنها؛
۱۲. حمایت های مالی آموزشی به جهت اجبار به تحصیل کودکان کار؛
۱۳. تبعیت از سیستم گزارش دهی به صندوق حمایت از کودکان و ارتباط فعال با آنان؛
۱۴. تهیه شناسنامه بهداشتی و الزام به معاینات اجباری کودکان کار در دوره های معین؛
۱۵. حمایت مالی از خانواده ی کودک کار از طریق اعطای تسهیلات؛
۱۶. کنترل نامحسوس مراکزی که امکان استخدام کودکان کار را دارند؛
۱۷. سرکشی و کنترل مراکز قانونی که کودکان کار را استخدام نموده اند (به خصوص در مورد دختران)؛
۱۸. برقراری نظام تامین اجتماعی مناسب (بیمه اجباری برای کودکان کار)؛
۱۹. حتی الامکان دختران کار در معیت زنان کارگر مشغول فعالیت گردند؛
۲۰. ممنوعیت اشتغال به کار در برخی مشاغل کاذب که به کرامت ذاتی کودکان کار لطمه می زند (مانند دستفروشی در چهارراه)؛

۲۱. تشدید جرایم علیه افرادی که کودک را در معرض آسیب روحی و جسمی قرار میدهند تکدی گری، خرید و فروش مواد مخدر، و یا الکل، قاچاق انسان، فروش اعضای بدن)؛

۲۲. شناسایی کودک کار جهت حمایت های اجتماعی و مهارت آموزی؛

در خصوص ((کار کودکان)) و ((کودکان کار)) سازمان های دولتی ذی ربط در ایران توانایی رویایی با این پدیده اجتماعی را ندارند. عمده دلیل این امر نیز در ساختار ناهمگون قوانین کار در کشور نهفته است. منع استخدامی این گروه سنی از یک سو و سوء استفاده کارفرمایان کارگاه های زیر ۲۰ نفر از این کودکان با پرداخت دستمزد اندک، بدون تعهدات بیمه و قراردادهای دست و پاگیر کار از سوی دیگر، مانع از ثبت و ضبط رسمی آمار کار کودکان می گردد.

افزون بر آن، سن قانونی جوانان در کنوانسیون حقوق کودک و سن بلوغ در ایران با یکدیگر همخوانی ندارد. مطابق قانون کار در جمهوری اسلامی ایران، کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است. ایران در سال ۱۳۷۲ پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفته و ملزم به اجرای مفاد آن است؛ اما متأسفانه پیگیری حقوق این کودکان از سوی هیچ نهادی صورت نمی گیرد. در قانون کار باید حق این کودکان به رسمیت شناخته شود. نه با استناد به این که اشتغال این کودکان ممنوع است؛ بلکه واقعیت وجودی آنها مورد توجه قرار گیرد و با تمام مظلومیتشان به حال خود رها نشوند.

((فقر آفتی تنها برای یک طبقه نیست؛ بلای همه جامعه است. رنج فقر تنها رنج یک فقیر نیست؛ ویرانی یک اجتماع است. احتضار طولانی فقیر است که مرگ توانگران را به دنبال می آورد. فقر دشمن نظم و قانون است. فقر تمامی حقوق بشر را غیر عملی خواهد ساخت. فقر نیز همانند جهل، شبی تاریک است که به ناچار باید سپیده ای بامدادی در پی داشته باشد.))

نتیجه گیری

ایران دچار خلا قانونی در زمینه ی حقوق کودکان کار است. وقتی صحبت از خلا قانونی به میان می آید منظور نداشتن قانون نیست، بلکه به این معناست که قانونی منسجم و مدون و کارآمد در این مورد از طریق مراجع ذی صلاح خصوصاً مجلس شورای اسلامی وضع نشده است. قوانینی که در حال حاضر موجود است دچار پراکندگی، ابهام، کلی گویی است به طوری که کاملاً به نظر می رسد قانونگذاران صرفاً از روی رفع تکلیف و نه احساس مسئولیت، آنها را وضع نموده اند. علی رغم این حتی به نظر می رسد وجود همین قوانین جزئی و پراکنده نیز به دست فراموشی سپرده شده است. با این توضیح به نظر می رسد ارائه ی پیشنهادات و راهکارهایی به منظور مورد توجه قرار گرفتن موضوع خلاقانونی در خصوص حقوق کودکان کار ضروری به نظر می رسد. قبل از آن که برای کودکان خیابانی کاری انجام دهیم. باید از این معضل اجتماعی پیشگیری کنیم؛ یعنی خانواده های بی بضاعت و کم در آمد را که زیر خط و در وضعیتی بسیار سخت در چنگال فقر گرفتار هستند، شناسایی کنیم و آنها را برای دریافت کمک مالی به نهادها و سازمان های مربوط معرفی نماییم. همچنین ضروری است برای خانواده هایی که معضلات اجتماعی از جمله اعتیاد و طلاق باعث جدایی کودکان از آغوش گرم آنها می شود، اقدامات اساسی انجام دهیم. به این منظور، ابتدا این خانواده ها باید تحت آموزش قرار گرفته و سپس برای والدین معتاد زمینه ترک اعتیاد فراهم گردد و برای اشتغال آنها نیز چاره ای اندیشیده شود. باید پذیرفت که در جامعه ما معضل کودکان کار و خیابانی به مرحله حاد خود رسیده است و باید نسبت به این معضل اجتماعی از خود واکنش نشان داد. باید توجه داشت که حمایت و حفاظت از کودکان خیابانی و ایجاد شرایط و امکانات زندگی برای آنها وظیفه کل جامعه است. حال پرسشی که مطرح می شود این است که برای این کودکان چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ باید ابتدا از تعداد این کودکان و وضعیت اقتصادی خانواده های آنان آمار دقیقی را به دست آوریم

تا بتوانیم برنامه ریزی کارشناسانه ای انجام دهیم. با داشتن این آمار می توان مشخص کرد که چه تعداد از این کودکان دارای خانواده هستند و علت روی آوردن آنان به خیابان ها را جست و جو نمود. سپس لازم است که به فکر سامان دهی آنها باشیم؛ البته این اقدام باید به طور مداوم در سطح جامعه از جمله در کلان شهرها صورت بگیرد. در گام بعد، باید به طور مستمر امور حمایتی را ادامه دهیم و ضربتی عمل نکنیم؛ یعنی این گونه نباشد که در یکسال تصمیم به جمع آوری این کودکان داشته باشیم و آنها را سامان دهی کنیم و در سال های بعد ادامه ندهیم. از سویی، والدین کودکان بی بضاعت را باید حمایت مالی کنیم تا کودکان خود را تحت آموزش قرار دهند و آینده ای روشن برای آنها رقم بزنند. شایسته است مراکزی را برای نگهداری آن گروه از کودکان خیابانی که خانواده ای ندارند، تاسیس کنیم. همچنین برای کار این کودکان مراکزی را در نظر بگیریم تا پس از رسیدن به سن قانونی کار، جذب این مراکز شوند. به منظور ارتقای سطح آگاهی این کودکان نیز می توان نسبت به حرفه آموزی و اشتغال، سواد آموزی و ارائه آموزش های بهداشتی و تربیتی به این کودکان اقدام کرد تا به عنوان یک شهروند فعال و مفید در خدمت جامعه باشند. به علاوه، نباید جنبه تبلیغی را از یاد برد؛ یعنی باید به گونه ای تبلیغ شود تا تمام نهادهای دولتی و غیر دولتی هر یک به سهم خود حامی این کودکان باشند. در این راستا باید به سازمان های مردم نهاد اجازه داده شود تا بر روند احقاق حقوق این کودکان نظارت کنند. همچنین در قانون در خصوص سختی و مشقت کار و ساعت کاری این کودکان لازم است پیش بینی های مناسبی صورت گیرد تا عدالت در مورد آنان اجرا شود. اقدام ضروری دیگر، فراهم کردن زمینه شناخت و درک صحیح رفتار کودکان و نوجوانان در سنین مختلف و تدوین قوانین راهبردی به منظور حمایت از حقوق آنهاست. چنانچه کودکان بد سرپرست یابی سرپرست به خانواده های واجد شرایط سپرده شوند و بر نحوه آموزش و تربیت آنها نظارت به عمل آید، در فرایند اجتماعی شدن و تعلیم این کودکان بسزا خواهد داشت. سرانجام این که چتر آموزش کودکان در کل کشور گسترش یابد و سیاست های مناسبی برای امکان ادامه تحصیل آنها اتخاذ شود.

منابع

۱. اکبرنژاد حسینی، حوریه. (۱۳۹۲). تحلیل کنوانسیون حقوق کودک، چاپ اول، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، تهران.
۲. انصاری، باقر. (۱۳۹۳). حق کودک به آموزش در نظام بین المللی حقوق بشر، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، تهران.
۳. پیوندی، غلامرضا. (۱۳۹۲). حقوق کودک، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۴. صفاری پژوه، مهران. (۱۳۹۳). حقوق کودکان کار در ایران، چاپ اول، انتشارات تی آرا، تهران.
۵. عابد خراسانی، محمود رضا. (۱۳۸۸). درآمدی بر حقوق کودک، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
۶. عبادی، ش (۱۳۷۸). حقوق کودک، چاپ هفتم، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۸.
۷. قاجار رحیمی، عقیق. (۱۳۸۳). وضعیت کار کودکان و نوجوانان در حقوق بین الملل و مقایسه آن با حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. کشمیری، سارا. (۱۳۸۵). حق کودک در برخورداری از حمایت والدین در حقوق بین الملل بشر و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. محمدی، امیر. (۱۳۸۸). صیانت از حق حیات کودک در کنوانسیون حقوق کودک و منشور حقوق کودک در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. ناهید بلیغ، سوسن پاسگر، زهرا داور، دیدخت صادقی حقیقی، زیر نظر نسرین مصفا. (۱۳۸۳). کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران.
11. Human Rights committee, General comment no. 6, para. 2 Monitoring the CRC. Lucy Smith, essays in honour of jakob th. moller 2nd revised edition International Human Rights Monitoring mechanisms The Minimum Age, Convention 1973
12. Monitoring the CRC Lucy Smith, essays in honour of jakob th. moller 2nd revised edition, International Human Rights Monitoring mechanisms, 2017
13. Universal Declaration of Human Rights, 10 Dec. 1948. Convention on the Rights of Child, 20 Nov, 1989 Convention on the Rights of Child, 20 Nov, 1989

Jurisprudential analysis of the ruling on the sale of body parts

Masoomeh Sorkhi

Master's degree in Private Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Abstract

The laws that currently exist regarding the guarantee of the protection of the rights of working children are scattered, vague, and general, so that it seems that the legislators have enacted them only out of a sense of duty and not a sense of responsibility. It seems that providing suggestions and solutions in order to pay attention to the issue of legal vacuum regarding children's rights seems to be necessary. It must be accepted that in our society the problem of working and street children has reached its acute stage and we must react to this social problem. It should be noted that supporting and protecting street children and creating living conditions and facilities for them is the duty of the whole society. Now the question that arises is what can we do for these children? To obtain accurate statistics on the economic status of their families so that we can make expert planning. Also, let's consider centers for the work of these children so that they can be attracted to these centers after reaching the legal age of work. In order to improve the level of awareness of these children, it is possible to take measures regarding vocational training and employment, literacy and providing health and educational training to these children so that they can serve the society as an active and useful citizen. In this regard, the organization should Non-governmental organizations should be allowed to monitor the rights of these children. Also, in the law regarding the difficulty and hardship of work and working hours of these children, it is necessary to make appropriate predictions so that justice is implemented for them. Another necessary action is to provide the basis for the correct recognition and understanding of the behavior of children and adolescents at different ages and to develop strategic laws to protect their rights. If children who are under guardianship are entrusted to qualified families and their education is monitored, it will have a great impact on the process of socialization and education of these children.

Keywords: Buying and selling, body parts, organ donation
